

Historical analysis of factors affecting the growth of the position of Upper Semirom in the second half of the Safavid era (1006-1135A.H)

pezhman afkhani amale ghashghayi afkhani amale ghashghayi  |
Hasan Allahyari 

۱. Ph.D. History of Iran, Department of History, Persian Gulf University Bushehr, Iran. E-mail: abcdef@usb.ac.ir

۲. Corresponding Author, Associate Professor, Department of History, Persian Gulf University Bushehr, Iran.

E-mail: hasanallahyari@pgu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 15March 2021

Received in revised

form: 1May 2021

Accepted: 13Sept 2021

Publishedonline:23Oct2021

Keywords:

Upper Semirom,
Safavid,
Chuleh family,
Kohgiluyeh Security,
Agriculture,
Livestock.

ABSTRACT

The choice of a new capital for the Safavid government caused a great deal of attention to be paid to the area and the routes leading to it, in addition to Isfahan. Meanwhile, the city of Upper Semirom, despite its proximity to the third capital of the Safavids, played an important role in expanding the prosperity of this capital, which is not well reflected in the historiography of that period due to the lack of attention to resources. However, a detailed study of the life of Semirom in the second half of the Safavid era, shows the growth and development of the city compared to the first half of this era. Thus, the issue of leading research is the study of effective factors in the construction, growth and strengthening of the position of that city in the second half of the Safavid era. The present article has investigated the above issue descriptively-analytically using librarydata. The research findings show that the climatic conditions of Upper Semirom along with its proximity to Isfahan That region, especially in the second half of the Safavid era, had an economic function based on livestock and agriculture. This special task seemed necessary to meet the needs of the capital. Hence, it became the focus of Safavid rulers. in line with this attention and with the forced migration of the Choleh family there as a ruling family by the Safavids, while increasing its previous functions, it became the military city on the way to the capital to Kohgiluyeh and Lorestan, which was the center of long-term crises in this period. Also became Finally, the simultaneous presence of members of the Chuleh family in court positions also led to the growth of the city's position in the second half of the Safavid era.

Cite this article: afkhani amale ghashghayi afkhani amal,pezhman & Allahyari ,Hasan (2022). Historical analysis of factors affecting the growth of the position of Upper Semirom in the second half of the Safavid era (1006-1135A.H). Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 15No29, Pages 22-46. DOI.10.22111/JHR.2021.37094.3040





© The Author(s). pezhman afkhani amale ghashghayi afkhani amal, Hasan Allahyari;

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

DOI: [10.22111/JHR.2021.37094.3040](https://doi.org/10.22111/JHR.2021.37094.3040)

تحلیل تاریخی عوامل مؤثر بر رشد موقعیت سمیرم علیا در نیمه دوم عصر صفوی (۱۰۰۶-۱۱۳۵ هـ.ق)

پژمان افخمی عمله قشقایی^۱  حسن الهیاری^۲ 

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه خلیج فارس. رایانامه: abcdef@usb.ac.ir

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس، (نویسنده مسئول). رایانامه: hasanallahyari@pgu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	انتخاب پایتختی جدید برای حکومت صفویه باعث شد که علاوه بر اصفهان، اطراف و مسیرهای منتهی به آن به شدت مورد توجه قرار گیرند. در این میان شهر سمیرم علیا با وجود نزدیکی به سومین پایتخت صفویان، نقش با اهمیتی در گسترش دامنه رونق این پایتخت داشت که به دلیل کم‌توجهی منابع آن دوره در تاریخ‌نگاری آن دوره به خوبی منعکس نشده است. باین‌حال، بررسی حیات سمیرم علیا در نیمه دوم عصر صفوی، رشد و ترقی آن شهر به نسبت نیمه نخست این عصر را نشان می‌دهد. مسئله پژوهش، بررسی عوامل مؤثر در رشد و تقویت جایگاه شهر سمیرم علیا در نیمه دوم عصر صفوی است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد برآیند شرایط اقلیمی سمیرم علیا به همراه نزدیکی به اصفهان آن منطقه را بخصوص در نیمه دوم عصر صفوی واجد کارکرد اقتصادی بر محور دامداری و کشاورزی کرده بود. این کارکرد برای برطرف کردن نیازهای پایتخت ضروری به نظر می‌رسید. از این‌رو در کانون توجه حکام صفوی قرار گرفت. سمیرم علیا در راستای همین توجه و با کوچ اجباری خاندان چوله به آنجا به‌عنوان خاندانی حکومت‌گر از سوی صفویان، ضمن افزایش کارکردهای پیشین، به شهری نظامی بر سر راه پایتخت به کهگیلویه و لرستان که کانون بحران‌هایی درازدامن در این دوره بود، نیز تبدیل شد. سرانجام، حضور هم‌زمان افرادی از خاندان چوله در مناصب درباری نیز باعث رشد جایگاه این شهر در نیمه دوم عصر صفوی شد.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲	
واژه‌های کلیدی: سمیرم علیا، صفویه، خاندان چوله، امنیت کهگیلویه، زراعت، دامداری.	

استناد: افخمی عمله قشقایی، پژمان، حسن؛ الهیاری، (۱۴۰۱). تحلیل تاریخی عوامل مؤثر بر رشد موقعیت سمیرم علیا در نیمه دوم عصر صفوی

(۱۰۰۶-۱۱۳۵ هـ.ق) پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۱۵، شماره ۲۹، ص ۲۲-۴۶.

DOI.10.22111/JHR.2021.37094.3040

مقدمه

در نیمه نخست عصر صفوی شهر سمیرم (۱) (سمیرم علیا) با وجود شرایط طبیعی خود، شهری نسبتاً گمنام بود، با این حال در نیمه دوم این عصر شاهد تغییر در وضعیت عمومی خود شد. پس از اینکه شاه عباس اول اصفهان را به عنوان پایتخت حکومت خود برگزید (۱۰۰۶ ه ق)، شهرها و مناطق اطراف پایتخت بیشتر از گذشته مورد توجه قرار گرفتند. کمک به تأمین آذوقه جمعیت رو به تزاید پایتخت و ضرورت حفاظت نظامی از پایتخت اهمیت مناطق اطراف پایتخت را دوچندان می نمود. از این رو اغلب، صاحب منصبان درباری را برای اداره مناطق مزبور انتخاب می کردند. احتمالاً در این بین سمیرم نیز به عنوان یکی از قلاع شمالی ایالت فارس به دلیل موقعیت ییلاقی، مورد توجه صفویان قرار گرفت. هرچند این توجهات حکومتی به دلیل موقعیت کوهستانی سمیرم تأثیر چندانی در توسعه شهر نداشت و از این رو تلاش مهمی در دیگر ابعاد مختلف شهرسازی یعنی بهسازی، نوسازی و بازسازی صورت نگرفت؛ اما به نظر می رسد همین شرایط جغرافیایی موجب تقویت بخشی از جنبه های سمیرم در دوره صفوی شد. احتمالاً این شرایط اقلیمی موجب شده بود تا شهر مزبور از ظرفیت های قابل توجهی برخوردار باشد و ناشی از یکسری تحولات تقویت شده باشد. به این ترتیب سوال پژوهش به شرح زیر است: چه عواملی در رشد و توسعه جایگاه شهر سمیرم علیا در نیمه دوم عصر صفوی مؤثر بوده اند؟

تحقیق حاضر بر پایه ی استنتاج مطالعات مقدماتی بر این فرضیه استوار است که شهر مورد نظر بنابر موقعیت طبیعی خود و پس از پایتختی اصفهان کارکردی اقتصادی یافت تا بخشی از نیاز آن شهر را برطرف سازد. پس از آن و بنابر موقعیت کوهستانی، کارکردی سیاسی-نظامی نیز برای آن تعریف شد تا پایگاهی برای کنترل اوضاع ناپایدار کهگیلویه و لرستان شود. بدین ترتیب موقعیت این شهر رشد یافت. بر این مبنای، این پژوهش کوشیده است تا با استفاده از حداکثر ظرفیت منابع با روش پژوهش تاریخی و بر مبنای تکنیک کتابخانه ای، ضمن ارائه تصویری از جغرافیای تاریخی و ظرفیت سرزمینی (۲) سمیرم علیا در دوره صفوی، کارکردهای بعدی آن در دوره مورد بحث را نیز بررسی نماید تا بدین ترتیب به فهمی درخور از عوامل مؤثر بر رشد جایگاه آن شهر نائل شود. اهمیت این پژوهش تنها به واسازی جایگاه سمیرم محدود نمی شود، بلکه می تواند راهگشای فهم

سیاست‌های کلان حکومت صفوی نیز باشد. لازم به ذکر است تاکنون به‌طور مستقل در مورد اوضاع سمیرم در نیمه دوم عصر صفوی پژوهشی انجام نشده است.

در بیان محدودیت‌های پژوهش باید گفت که بررسی تاریخ سمیرم علیا در دوره صفوی به شکل قابل توجهی با کمبود منابع روبرو است. از منظر منابع تاریخ‌نگاران، از آنجا که این شهر در منطقه‌ای کوهستانی و صعب‌العبور قرار داشت و تا قبل از استقرار حکومت صفوی در اصفهان دور از مراکز سیاسی بود، مورد توجه مورخان آن عصر قرار نگرفت. از طرفی، با وجود آن که بسیاری از داده‌های عصر صفوی از سفرنامه‌های اروپاییان کسب می‌شود عملاً ردی از منطقه مورد بحث در سفرنامه‌ها نیز موجود نیست. بررسی همین متون نشان می‌دهد سیاحان اروپایی از جمله دن گارسیا داسیلوا فیگوئروا (۳)، شاردن (۴)، جملی کارری (۵)، آنتونی شرلی (۶)، پیتر دلاواله (۷)، سانسون (۸) و تاورنیه (۹) که از اصفهان به شیراز و بالعکس سفر کرده‌اند از مسیر اصفهان، مهیار (۱۰)، قمشه (۱۱)، ایزدخواست (۱۲)، آسپاس (۱۳) به شیراز رفته‌اند. از این رو سمیرم که در شعاع هفتاد کیلومتری جنوب قمشه (۱۴) قرار داشت از مسیر عبور سیاحان فوق به دور ماند. لذا، همان‌طور که گفته شد سفرنامه‌نویسان اروپایی در سفرنامه‌های خود اشاره‌ای به این شهر ننموده‌اند. با توجه به این موضوع بررسی برخی از ابعاد شهری و شهرنشینی این شهر در دوره صفوی بسیار دشوار می‌شود. پژوهشگران معاصر نیز به دلیل فقدان منابع، کمتر به جغرافیای تاریخی و تاریخ این شهر در دوره صفوی توجه نموده‌اند؛ بنابراین در این پژوهش تلاش شده است تا در کنار استفاده از منابع عصر صفوی از منابع متأخر که داده‌های آن در باب سمیرم با گذر زمان از ارزش و اعتبار نیفتاده‌اند، استفاده شود.

نگاهی به جغرافیای تاریخی سمیرم تا عصر صفوی

سمیرم کنونی که هسته سمیرم تاریخی محسوب می‌شود در جنوب اصفهان و شمال فارس واقع شده که به دو ناحیه سمیرم علیا (۱۵) و سفلی (۱۶) تقسیم می‌شود. به لحاظ موقعیت مکانی سمیرم سفلی از شمال و مغرب به شهرستان لنجان (۱۷) و چهارمحال بختیاری و از طرف جنوب

به سمیرم علیا و از مشرق به شهرستان شهرضا (۱۸) محدود می‌شود. این تقسیمات علاوه بر منابع دوره صفویه، در منابع مربوط به دوره‌های بعدازآن نیز آمده است (میرزا سمیعا، ۱۳۶۸: ۲۰۷. شیروانی، بی‌تا: ۳۱۵. شقاقی، ۱۳۵۳: ۳۰۲)؛ اما آنچه در اینجا مورد بحث قرار می‌گیرد سمیرم علیا است. منابع جغرافیایی اسلامی تا قبل از عصر صفوی به اتفاق سمیرم را شهری بین شیراز و اصفهان و جزء رکن شمالی ایالت فارس برشمرده‌اند (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۲۸۴. زکریا بن محمد قزوینی، ۱۳۷۳: ۴۰۶. ابوالفدا، ۲۰۰۷: ۴۷۲. حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱۱۰-۱۰۶). این شهر در دوره صفویه نیز به همین شکل معرفی می‌شود (میرزا سمیعا، ۱۳۶۸: ۲۰۷؛ بروسوی، ۱۴۲۷: ۳۹۶) و جزئی از بیلاقات شمالی ایالت فارس به حساب می‌آید. حافظ ابرو فاصله بین شیراز و سمیرم را چهل و پنج فرسنگ تخمین می‌زند و برای طی نمودن مسافت بین این دو شهر این گونه اشاره می‌کند: «منزل اول جویم پنج فرسنگ. منزل دوم بیضا سه فرسنگ. منزل سیم طور چهار فرسنگ. منزل چهارم کام فیروز پنج فرسنگ. منزل پنجم جرمق چهار فرسنگ. منزل ششم کورد چهار فرسنگ. منزل هفتم کلار پنج فرسنگ. منزل هشتم دیه و سان هفت فرسنگ. منزل نهم سمیرم هشت فرسنگ» (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱۵۶). منابع دوره صفوی اشاره‌ای دقیق به تقسیمات مناطق اطراف سمیرم و حدودات آن ندارند؛ از این رو برای شناسایی حدود سرزمین‌های اطراف این شهر لاجرم از اثر میرزا حسن حسینی فسایی استفاده شده است. هرچند این منبع از دوره مورد بحث بیش از یک قرن و نیم فاصله دارد ولی آنچه در این معرفی مناطق مهم تلقی می‌شود، اشاره به میزان گستردگی آن‌ها در اطراف سمیرم است. از طرفی بین سال‌های حکومت صفوی و تا اواسط دوره قاجار در منابع هیچ‌گونه اشاره‌ای به تغییر حدود شهر و سرزمین‌های اطراف سمیرم نشده است. فسایی سمیرم را ناحیه‌ای از نواحی شش‌گانه بلوک سرحد شمالی فارس می‌داند و اشاره می‌کند که بلوک سرحد شش‌دانگه (۱۹) «از سردسیرات فارس، در میانه شمال و مغرب شیراز افتاده است، در همه چیز مانند سرحد چهاردانگه است، درازی آن از قریه کیفیته (۲۰) تا گندمان (۲۱) ۲۱ فرسخ، پهنای آن از اسفدران تا قریه میمند فلارد ۱۱ فرسخ. محدود است از جانب مشرق به سرحد چهاردانگه و بلوک آباده و اقلید و از سمت شمال به نواحی اصفهان و از طرف مغرب و جنوب به نواحی بختیاری و کوه‌گیلویه. در

قدیم به شش بلوک قسمت بوده... و از قدیم تاکنون همیشه حکومت و ضابطی این بلوک با خوانین قشقائی بود...» (حسینی فسایی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۳۵۸). ژ. دومورینی نیز به همین شکل به تقسیمات سمیرم اشاره دارد (ژ. دومورینی، ۱۳۷۵: ۹۲). این منطقه با مرکزیت شهر سمیرم از طرف شمال به سمیرم سفلی (دهاقان) و شهرضا (قمشه) و از طرف غرب به استان چهارمحال و بختیاری و از جنوب به قلمرو ایلات بویراحمدی و کوه دنا و از مشرق به شهرستان آباده محدود می‌شود. شهر مزبور بین دو سلسله کوه مرتفع جنوب ایران به نام‌های کوهستان علی‌جوق (۲۲) و کوه دنا (۲۳) قرار دارد.

بدین ترتیب، موقعیت جغرافیایی خاص سمیرم موجب شده بود که شهر و نواحی اطراف آن آب‌وهوای سرد و زمستان‌های دشوار داشته باشد (واله قزوینی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۴۹۴-۴۹۵. وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۵۹۶-۵۹۷). با توجه به شرایط مزبور، در این شهر و مناطق اطراف آن، چشمه‌های فراوان می‌جوشند و در سده‌های گذشته این منطقه از آب کافی برخوردار بوده است. این امر شرایط مناسب کشاورزی را برای بسیاری از مناطق سمیرم فراهم آورده بود. در فارسنامه ناصری اسامی مناطق اطراف سمیرم با بیان فواصل آنها از شهر مزبور آمده است (حسینی فسایی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۳۵۹-۱۳۶۰). از طرفی، سمیرم به دلیل قرارگیری در داخل کوه‌هایی که در طرف شمالی شهر امروزی قرار دارد، دارای فضایی بیشتر نظامی بود و در منابع قبل از دوره صفویه به طور غالب از آن به عنوان قلعه نظامی یاد شده است (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۲۰: ۲۱۹-۲۲۱. مسکویه، ۱۳۷۶: ۱۵۲. حموی، ۱۹۹۵، ج ۵: ۳۸۵). از دوره‌های مغول تا صفویه و حتی دوره قاجار موقعیت کوهستانی و همین‌طور نقش نظامی شهر موجب می‌شد که کالبد فضایی آن بیشتر قلعه‌گونه باقی بماند و از این جهت قابلیت توسعه کالبدی و ساخت و ساز شهری نداشته باشد.

منابع مربوط به دوره صفوی جز مواردی که به موقعیت جغرافیایی سمیرم اشاره نموده‌اند، به شهر و فضای بافتاری آن و همین‌طور به مردمان آن نپرداخته‌اند. محمدیوسف واله قزوینی اصفهانی در مورد سمیرم این‌گونه اشاره می‌کند: «...آن شهری است در دامن کوهی فلک پیوند و معموره‌ای

است در حسن و بهها به قطعات خلد مانند بر فراز آن کوه گردون شکوه، چشمه‌ای در نهایت عذوبت و صفا در فوران و از آنجا به وفور رودی پرشور به جانب شهر روان است و از این چشمه‌سار که قطره‌ای است از دریای صنع آفریدگار، آبشاری به حصول پیوسته از سر کوه به دامن ریزان است و با آن که تماشاچیان جهانگرد و دیر سالان کوه و هامون نورد، آب‌های بسیار در آبشارهای بی‌شمار دیده‌اند، گمان آن نیست که آبشاری به حسن و زیبایی چون آبشار سمیرم دیده یا شنیده باشند» (واله قزوینی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۴۹۵). علاوه بر این میرزا محمد طاهر وحید قزوینی نیز در اثر خود به این‌گونه اشارات از فضای طبیعی سمیرم می‌پردازد (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۵۱۹). این مورخان در دوره شاه عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲ هـ) به اتفاق شاه صفوی از سمیرم دیدن کرده‌اند. در این جریان آن‌چه که برای آنان جذاب به نظر می‌رسید، آب‌وهوای کوهستانی و کوه‌ها و چشمه‌های اطراف شهر بود؛ اما متأسفانه اشاره‌ای به شهر و مردم آن نمی‌کنند. با توجه به آن‌چه که آمده است می‌توان حدود سازه‌های شهری سمیرم را در زمان دیدار شاه عباس دوم، در نواحی مرتفع شهر کنونی دانست که در منابع دوره میانه از آن تحت عنوان قلعه طبیعی یاد شده است. امروزه این قلعه به عنوان یکی از محلات مسکونی به شمار می‌آید. این قلعه طبیعی نسبت به کالبد امروزی شهر در حدود شمالی آن قرار دارد.

معیشت به مثابه کارویژه اقتصادی شهر سمیرم در عصر صفوی

۱. موقعیت دامداری سمیرم در عصر صفوی

با انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت صفویان و رشد جمعیت آن که در پی این امر صورت پذیرفت، به طور طبیعی نیاز این شهر به محصولات دامی و کشاورزی نیز افزایش می‌یافت (ظفریان و همکاران، ۱۳۹۹: ۹-۴). اگر به گفته شاردن و بدلیسی که مناطق لرنشین را مرکز تامین چهارپایان در این عصر معرفی می‌کنند (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۵: ۱۷۳۳. بدلیسی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۰) اعتماد شود، می‌توان گفت این مناطق و نواحی دیگر کوهستان زاگرس هم‌چون سمیرم، به عنوان بخشی از انبار آذوقه اصفهان در عصر صفوی مورد توجه بوده است. آن‌چه که از اشارات جسته و گریخته برخی

مورخان دوره صفوی که همراه شاه عباس دوم به این شهر سفر کرده‌اند به دست می‌آید، این شهر و مناطق اطراف آن در این دوره در فصول گرم سال، به لحاظ اقتصادی در تولیدات دامی و کشاورزی مهم تلقی می‌شده است. در دوره صفوی به دلیل زندگی ایلی بیشتر مردم مناطق اطراف سمیرم، از جمله منطقه وردشت و همچنین به دلیل شرایط اقلیمی مساعد، معیشت دامداری رونق بیشتری داشت. در فصول گرم سال که عشایر برای بیلاق به این مناطق می‌آمدند فرآورده‌های دامی از پشم گوسفند گرفته تا لبنیات و گوشت و از این قبیل موارد را تولید می‌کردند. از این طریق نیازهای مردمان شهر را برطرف می‌نمودند و همین‌طور از فرآورده‌های دامی عشایر این منطقه در پایتخت نیز استفاده می‌شد. هرچند منابع این دوره اشاره‌ای مستقیم به این موضوع نداشته‌اند، اما با توجه به اشاراتی که در خاطرات ممتحن الدوله در رابطه با تامین روغن چراغ‌های پایتخت صفوی از طریق سمیرم آمده است می‌توان به این جریان اقتصادی پی‌برد که احتمالاً عشایر نیز از جمله ایل قشقایی در جریان ورود به سمیرم و نواحی اطراف آن مالیات‌های دامی خود را (که از دوره‌های قبل خصوصاً از دوره مغول رسم شده بود) به حکومت صفوی می‌پرداختند. از این طریق این تولیدات دامی در برخی موارد در پایتخت نیز به مصرف می‌رسید (مرعشی، ۱۳۷۹: ۲۶۹).

همان‌گونه که در بالا نیز اشاره شد شرایط اقلیمی مناسب این نواحی آن را به بیلاقات عشایر فارس تبدیل نموده بود (نصیری، ۱۳۸۲: ۲۰۴)؛ از این جهت همواره عشایر از جمله طایفه دره‌شوری از ایل قشقایی برای بیلاق به این منطقه می‌آمدند و در منطقه وردشت، واقع در شمال غربی شهر سمیرم به چرای دام خود مشغول می‌شدند (پور محمدی املشی و زیلاب پور، ۱۳۹۵: ۹-۱۰). در ادوار بعد نیز ایل قشقایی در نواحی داخلی و جنوبی فارس قشلاق می‌کردند و در فصل‌های گرم سال برای بیلاق به نواحی شمالی فارس و کهگیلویه و جنوب اصفهان (سمیرم) کوچ می‌کردند (کرزن، ۱۳۶۲: ۸). این ایل به شش طایفه دره‌شوری، فارسیمدان، عمله، کشکولی بزرگ، کشکولی کوچک و شش‌بلوکی تقسیم می‌شد (حسینی فسایی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۳۵۸-۱۳۶۰. کیانی، ۱۳۸۵: ۴۵-۴۸). از بین طوایف مختلفی که به مناطق اطراف سمیرم کوچ می‌کردند طایفه دره‌شوری تنها طایفه‌ای بود که نام خود را از منطقه بیلاقی خود اخذ کرد. این طایفه نام خود را از دره‌ای که

از منطقه‌ی وردشت می‌گذشت، گرفت که این امر خود دلیل بر حضور مستمر این طایفه از ایل قشقایی در منطقه شمالی سمیرم است (ژ. دومورینی، ۱۳۷۵: ۳۱. قشقایی، ۱۳۹۱: ۱۳-۱۴). اسناد ملکی نویافته در یک پژوهش جدید و مربوط به سال‌های دوم ربیع الاول ۱۱۰۶، دوازدهم ذی‌حجه ۱۱۰۶ و پنجم شوال ۱۱۳۰، نه تنها حضور طایفه دره‌شوری از ایل قشقایی را در دوره صفویه در منطقه وردشت شهرستان سمیرم تایید می‌کند، بلکه نمایان‌گر حاصلخیزی اراضی کشاورزی، فراوانی آب، کشت و کار و مراتع سرسبز و مساعد در منطقه مزبور است (پور محمدی املشی و زیلاب پور، ۱۳۹۵: ۱۷-۱۴). از این رو می‌توان نتیجه گرفت که طایفه دره‌شوری از ایل قشقایی در سال‌های مربوط به دوره صفویه نیز از این منطقه به عنوان بیلاق استفاده می‌نموده‌اند. وجود شرایط مناسب اقلیمی جهت حضور عشایر در نواحی اطراف سمیرم امری است که از سال‌های پیش از صفویه نیز جاری بوده است. آنچه که در دوره مورد بررسی موجب رشد و ارتقای کمی و کیفی دامداری در سمیرم گردید، مربوط به حضور خاندان صفوی در اصفهان بود. همان‌گونه که اشاره شد با پایتخت‌گزینی اصفهان، نیاز به تامین آذوقه و مایحتاج پایتخت‌نشینان موجب شناسایی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مناطق اطراف شهر مذکور شد. سمیرم نیز از این مقوله مستثنی نبود؛ لذا علاوه بر نقش امنیت بخشی بر مناطق لرنشین از طریق کوچ دادن خاندان چوله (۲۴) به این شهر که در صفحات آتی این پژوهش به آن پرداخته خواهد شد ظرفیت‌های طبیعی آن جهت تولیدات دامی بیشتر، مورد توجه خاندان مذکور قرار گرفت. از طریق ارتقاء سطح بهره‌وری این وجه اقتصادی، منبع درآمدی جهت دریافت مواجب خاندان چوله ایجاد شد (میرزا سمیع، ۱۳۶۸: ۹. میرزا علی نقی نصیری، ۱۳۷۱: ۱۹ و ۳۰ و ۵۴). علاوه بر این از تولیدات دامی از جمله گوشت، پشم و لبنیات در جهت تامین مایحتاج صفویان پایتخت‌نشین نیز بهره‌برداری شد. این جریان اقتصادی علاوه بر اینکه موجب رونق اقتصادی صاحب منصبان می‌شد، رونق معیشتی دامداران را نیز متقابلاً در پی داشته است.

۲. کشاورزی سمیرم در عصر صفوی

همان‌گون که در بالا نیز اشاره شد شهر سمیرم و مناطق اطراف آن به لحاظ موقعیت سرزمینی دارای ظرفیت‌های مهمی جهت انجام کشت زراعی و باغداری بود. هرچند در خود شهر به دلیل قرارگیری در بین ارتفاعات زاگرس و شن‌زار بودن زمین‌ها، کشاورزی کمتری صورت می‌گرفت؛ اما در دشت‌های اطراف این شهر (که به تقسیمات آن‌ها اشاره شد) موقعیت مناسبی برای کشاورزی وجود داشت. در قرن‌ها قبل از دوره صفویه محمد بن احمد مقدسی (د. ۳۸۰ هـ) در رابطه با شرایط حاصلخیز سمیرم این‌گونه اشاره می‌کند: «در دامنه کوه، گوز (۲۵) و میوه [و گوشت] فراوان دارد، جامعی زیبا نیز دور از بازار دارد. نهر آب در میان شهر و بازار و خیابان [و بامها] روانست که از چشمه‌ای در کوه... سرازیر می‌آید» (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۵۸۰). در واقع سمیرم به عنوان منطقه‌ای کوهستانی و آب‌خیز در دوره‌های مختلف مورد توجه بوده است. در دوره سلجوقی به عنوان اقطاع به گوهر خاتون زوجه محمدتپر اعطا شد که در این جریان، درآمد‌های کشاورزی توسط پدر کمال الملک سمیرمی، وزیر گوهر خاتون جمع‌آوری می‌شد (بنداری اصفهانی، ۱۳۵۶: ۱۲۷). این قبیل اشارات تاریخی در دوره‌های مختلف خود گویای اهمیت سمیرم (حداقل اهمیت اقتصادی و بهره‌برداری کشاورزی) در بین سردمداران حکومتی است. با توجه به این اشارات می‌توان به ظرفیت اقتصادی (کشاورزی) سمیرم در دوره‌های بعد از سلاجقه نیز پی‌برد. هرچند منابع دوره‌های مختلف در رابطه با کارویژه‌های اقتصادی این شهر کمتر اشاره نموده‌اند، اما هرکدام از منابعی که توجهی به این شهر داشته‌اند در کنار آن، اشاراتی به طور مستقیم یا غیر مستقیم به موقعیت مناسب کشاورزی آن داشته‌اند.

منابع دوره صفویه اشاره‌ای به نوع محصولات کشاورزی سمیرم و مناطق اطراف آن نمی‌کنند؛ از این رو با توجه به اشاراتی که در منابع بعد از این دوره آمده است، می‌توان نوع محصولات این منطقه را در دوره مورد بحث شناسایی کرد؛ زیرا که شرایط آب‌وهوایی سمیرم در دوره‌های بعد از صفویه تغییری نکرده است که منابع به آن اشاره داشته باشند. با توجه به این امر می‌توان نتیجه گرفت که در اقتصاد سنتی ایران نوع محصولات به طور اغلب در این ناحیه همان محصولاتی بوده

که در دوره‌های بعد از صفویه نیز به آن اشاره شده است. امری که امروزه نیز در رابطه با نوع محصولات سمیرم صادق است و با وجود گذشت بیش از یک قرن ونیم از برخی منابع دوره قاجاریه در مورد نوع محصولات کشاورزی سمیرم، هنوز غالباً شاهد کشت محصولاتی هستیم که در آن منابع اشاره رفته است. با توجه به گزارشات نزدیک‌تر به دوره مورد بحث، کشاورزی در سمیرم بیشتر بر محور کشت انواع محصولات سردسیری و باغات بوده است (شیروانی، بی‌تا: ۳۱۵). اعتمادالسلطنه اشاره می‌کند که در سمیرم تولیدات کشاورزی بالا بوده و قیمت نان بسیار ارزان بوده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۲: ۲۰۹۱-۲۰۹۲). هرچند اعتمادالسلطنه حدود یک‌ونیم قرن بعد از دوره مورد بحث ما از سمیرم دیدن کرده است ولی با توجه به گفته‌های وی در مورد وفور نعمت در سمیرم و همین‌طور با توجه به پر آبی چشمه‌ها و فراوانی آب در دوره صفوی که توسط کسانی چون محمدیوسف واله قزوینی اصفهانی و میرزا محمد طاهر وحید قزوینی گزارش شده است؛ هم‌چنین همان‌گونه که در بالا نیز اشاره رفت با توجه به کشف و شناسایی سه سند خرید ملک مربوط به عصر دوم صفوی در منطقه وردشت سمیرم، وفور آب و حاصلخیزی شرایط کشاورزی و هم‌چنین انجام کشت به طور پایدار در منطقه مزبور (که از جمله بزرگترین مناطق کشاورزی سمیرم محسوب می‌شده است) تایید می‌شود (پور محمدی املشی و زیلاب پور، ۱۳۹۵: ۱۷-۱۴)؛ از این رو می‌توان برای سمیرم عصر دوم صفوی شرایط مساعد کشاورزی قائل شد. از طرف دیگر در منابع قرون میانه نیز از پر آبی سمیرم یاد شده است و اغلب این شهر به عنوان شهری با ظرفیت کشاورزی بالا معرفی شده است (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۵۸۰. وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۴۶۰).

در این دشت‌ها به حدی نباتات به صورت خودرو و کاشت شده رشد می‌نمود که در دوره صفوی، سمیرم روغن چراغ پایتخت را فراهم می‌کرد (شقایق، ۱۳۵۳: ۳۰۲). هرچند حسین‌قلی‌خان شقایق در دوره مزبور زندگی نمی‌کرد اما گزارشات باستان‌شناسی از آثار برجای مانده از کارگاه‌های روغن‌گیری صفویه در سمیرم، یادداشت‌های وی را مورد تایید قرار می‌دهد. قاسمی در دیدار از بقایای سنگ‌های عصاره و سنگ‌های آسیاب در دو مزرعه مهم آخورم (۲۶) و رزجان (۲۷) که از دوره صفوی در این دو منطقه برجای مانده‌اند، به این موضوع اشاره می‌کند. وی با توجه به این

بقایا اشاره می‌کند که گیاهان برزک (تخم کتان) در دو مزرعه مزبور کاشت می‌شده‌اند و در عصارخانه‌های موجود در همین مزارع از تخم گیاه برزک روغن مخصوص چراغ به دست می‌آمده است (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۳). از دیگر گونه‌های نباتی می‌توان به محصولات زراعی ده چشمه‌علی (۲۸) اشاره کرد که به دلیل شرایط مناسب کشاورزی، در آنجا غله و حبوبات کشت می‌شد و این امر تا دوره‌های بعدی ادامه داشت (آل داوود، ۱۳۷۸: ۲۶۹). با این حال در بررسی ارتقای سطح کمی و کیفی محصولات کشاورزی در این دوره بایسته است عاملین سیاسی صفویان در سمیرم را به عنوان متغیر اساسی مدنظر قرار داد. خاندان چوله همان‌گونه که در مبحث قبلی اشاره رفت، بعد از ورود به این شهر علاوه بر عهده‌داری و اداره حکومت سمیرم مناصب مهم درباری را از سوی صفویان دریافت نمودند (میرزا علی‌نقی نصیری، ۱۳۷۱: ۱۹-۲۰. میرزا سمیعا، ۱۳۶۸: ۹. کارری، ۱۳۴۸: ۱۶۷). این موضوع موجب تغییراتی در سیاست اقتصادی خاندان چوله شد. توضیح اینکه مناصب حکومتی و درباری تفویضی به خاندان مذکور دارای مواجبه‌های هنگفتی بود که بایستی غالب این مواجبه از شهر مزبور تامین می‌شد (میرزا سمیعا، ۱۳۶۸: ۹. میرزا علی‌نقی نصیری، ۱۳۷۱: ۱۹ و ۳۰ و ۵۴). از این رو تا حد توان منابع سرزمینی و هم‌چنین منابع انسانی شهر و مناطق اطراف آن را بیش از دوران گذشته شناسایی نموده و به عنوان متغیری گیرا و تاثیرگذار بر رونق کشاورزی سمیرم تاثیر گذاشتند. امری که میزان بهره‌وری بالای اقتصادی را هم برای معیشت مردم شهر و همین‌طور برای تامین مواجبه خاندان چوله به همراه داشت.

۳. نقش صاحب منصبان در اقتصاد شهری سمیرم در عصر صفوی

در دوره صفوی با توجه به موقعیت‌های سیاسی حاکمان سمیرم در دربار صفویان (۲۹) و همین‌طور به دلیل نزدیکی آن به پایتخت صفوی از این شهر به عنوان شهری با تولیدات کشاورزی بالا و بالطبع تولیدات دامی، در جهت کسب درآمد حاکمان چوله‌ای تبار استفاده می‌شد. در این دوره مناصب تفنگچی‌آقاسی‌گری و ایشیک‌آقاسی‌باشی حرم از جمله مقامات مهم نظامی و درباری بود که به حاکمان چوله‌ای تبار سمیرم اعطا می‌شد (۳۰). این مناصب به نوبه خود در بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی شهر موثر بودند؛ زیرا که میرزا علی‌نقی نصیری به میزان مواجبه‌ای که این

صاحب منصبان از حکومت صفوی دریافت می‌نمودند اشاره دارد. وی اشاره می‌کند که منصب تفنگچی آقاسی سالانه پنج هزار و پانصد تومان دریافت می‌نموده است. این در حالی است که بنا به گزارش همین مورخ درآمد ثابت تفنگچی آقاسی در دوره صفویه هفتصد تومان بوده و این میزان درآمد از ابرقو به دست می‌آمده است (میرزا علی نقی نصیری، ۱۳۷۱: ۱۹). میرزا سمیعا نیز اشاره می‌کند که تفنگچی آقاسی «هفتصد و یازده تومان و پنج هزار و سیصد دینار و کسری» به عنوان دستمزد ثابت دریافت می‌نموده است. در ادامه نیز اشاره می‌کند که این منصب به طور معمول مبلغ یاد شده را از ابرقو به دست می‌آورد که به عنوان تیول در برابر خدماتی که برای صفویان ارائه می‌داد، به وی سپرده شده بود (میرزا سمیعا، ۱۳۶۸: ۹. رهبرن، ۱۳۵۷: ۴۴). در این دوره ابرقو به عنوان تیول به صاحب منصب تفنگچی آقاسی اعطا می‌شد؛ اما آن چه که در این بین مهم به نظر می‌رسد ارقامی است که نصیری به آن اشاره می‌کند؛ وی دریافتی تفنگچی آقاسی را از ابرقو حدوداً هفتصد تومان گزارش می‌دهد و هم‌چنین اشاره دارد که این منصب در مجموع پنج هزار و پانصد تومان به‌طور سالانه به دست می‌آورد؛ مبلغی که تقریباً هشت برابر درآمدی بوده که از ابرقو دریافت می‌نموده است. از این رو می‌توان به این مازاد درآمد توجه بیشتری نمود. با توجه به آن چه که در مورد توان اقتصادی سمیرم اشاره رفت و هم‌چنین با توجه به این امر که در مواردی صاحبان این منصب از خاندان چوله‌ای سمیرم انتخاب می‌شدند، می‌توان میزانی از این مازاد درآمد را از سمیرم دانست. هرچند نصیری مبالغ مزبور را به طور خاص برای تفنگچی آقاسی گران چوله‌ای تبار سمیرم نیاورده است و آن چه که وی اشاره می‌کند به‌طور کلی برای صاحبان این منصب در دوره صفوی است؛ اما می‌توان به این موضوع پی‌برد که سمیرم تا حدودی از دریافتی‌های تفنگچی آقاسی گران چوله‌ای تبار را تامین می‌نموده است؛ این دریافتی، مازاد بر درآمدی بود که از تیول مختص این منصب، یعنی ابرقو به دست می‌آوردند. اعضای خاندان چوله‌ای تبار سمیرم در مواردی نیز به عنوان ایشیک آقاسی‌باشی حرم انتخاب می‌شدند. این منصب نیز طبق گزارشی که نصیری ارائه می‌دهد، سالانه چهارصد تومان به عنوان دستمزد دریافت می‌نموده است (میرزا علی نقی نصیری، ۱۳۷۱: ۳۰). البته میرزا سمیعا درآمد صاحب منصب ایشیک آقاسی‌باشی حرم را سالانه سیصد تومان آورده

است (میرزا علی نقی نصیری، ۱۳۷۱: ۵۴). آن چه که در این گزارش‌ها مهم به نظر می‌رسد، منبع درآمد این منصب است. به‌طور معمول مناصب درباری آن‌گونه که نصیری و میرزاسمیعا اشاره می‌کنند موجب رسمی و مقرری خود را از درآمدهایی که از اراضی خاصه و دولتی به دست می‌آمد، کسب می‌کردند. سمیرم نیز در این دوره در برخی از موارد به عنوان بخشی از اراضی بلوک سرحد شمالی فارس، جزء اراضی دولتی بوده که می‌توان منبع درآمد بخشی از درباریان، از جمله ایشیک‌آقاسیان چوله‌ای تبار دانست که در سمیرم ساکن بودند.

میزان درآمد حاکم سمیرم نیز گزارش بسیار مهم دیگری است که از طریق آن می‌توان به میزان تولیدات دامی و کشاورزی و به‌طور کل به میزان توان اقتصادی سمیرم پی‌برد. میرزا سمیعا در تذکره الملوک به درآمد حاکم سمیرم اشاره دارد. وی درآمد سالانه حاکم سمیرم را یک هزار و چهل و پنج تومان و شش هزار و صد و هشت دینار و نیم گزارش کرده است (میرزا سمیعا، ۱۳۶۸: ۸۶). این میزان درآمد حاکم سمیرم، خود گویای تولیدات بالای دامی و کشاورزی در این شهر و مناطق اطراف آن است. در واقع این درآمد مختص حاکم سمیرم بوده است؛ با در نظر گرفتن مالیاتی که به حکومت صفوی پرداخت می‌شد و عوایدی که احتمالاً تفنگچی‌آقاسیان و ایشیک‌آقاسیان چوله‌ای تبار سمیرم از این شهر به دست می‌آوردند، می‌توان به میزان بالای تولیدات اقتصادی سمیرم پی‌برد. این میزان درآمدها در رونق اقتصادی سمیرم تأثیر مثبت برجای می‌گذاشت؛ به عبارت دیگر هر کدام از اعضای هیات حاکمه سمیرم همان‌گونه که اشاره شد اصل درآمد و یا بخشی از مازاد درآمد خود را از سمیرم به دست می‌آوردند. این امر موجب می‌شد تا اعضای مزبور برای کسب درآمد بیشتر، ابعاد مختلف اقتصاد سمیرم (کشاورزی و دامداری) را بیش از پیش به کار اندازند و از این طریق درآمد بیشتر کسب نمایند. این جریان موجب رونق اقتصادی شهر می‌شد.

موقعیت سمیرم در اوضاع سیاسی عصر صفوی

الف) سیر تحولات سیاسی سمیرم

از زمان تاسیس سلسله صفویه تا دوره شاه عباس اول (۹۰۵-۹۹۶ هـ) منابع صفوی به حاکمان سمیرم اشاره‌ای ندارند. با توجه به این موضوع که سمیرم در این دوره یکی از بلوکات شمالی فارس (بلوک سرحد) به شمار می‌آمده، می‌توان حاکمان شهر مزبور را از حاکمان محلی تابع فارس دانست. از این رو در اینجا به طور کاملاً خلاصه به بررسی والیان ایالت فارس پرداخته می‌شود. ایالت فارس در سال‌های قبل از روی کار آمدن شاه اسماعیل (۹۰۵-۹۳۰ هـ) توسط ترکمنان آق‌قویونلو اداره می‌شد (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۹). با شروع حکومت صفویان حاکمان این ایالت از طایفه‌ی ذوالقدر انتخاب می‌شدند و این امر تا روی کار آمدن شاه عباس اول ادامه داشت. در دوره شاه اسماعیل، خلیل سلطان ذوالقدر حکومت فارس را برعهده داشت. در زمان شاه طهماسب (۹۸۴-۹۳۰ هـ) حاکمیت فارس نیز برعهده همین طایفه بود و حمزه سلطان خامسلو ذوالقدر، ابراهیم‌خان ذوالقدر و ولی سلطان قلمانچی‌اوغلی ذوالقدر فارس را اداره می‌کردند. در زمان حکومت شاه اسماعیل دوم (۹۸۵-۹۸۴ هـ) مدتی برادرش محمد میرزا مقیم فارس بود و غازی بیگ ذوالقدر از طرف صفویان به امور این ایالت رسیدگی می‌کرد. در زمان شاه‌محمد خدابنده (۹۹۶-۹۸۵ هـ) نیز هم‌چنان حکومت ذوالقدرها بر فارس ادامه پیدا کرد و علی‌بیگ ذوالقدر به عنوان نماینده این طایفه، حکومت فارس را بر عهده داشت (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱: ۵۴، ۷۴، ۱۴۰، ۲۲۲، ۲۲۳).

با روی کار آمدن شاه عباس اول، حکومت سمیرم به خاندان چوله سپرده شد و از این زمان منابع به حاکمان این شهر اشاره دارند. همان‌گونه که اشاره شد چوله‌ای‌ها تیره‌ای از طایفه تکه‌لو بودند. این تیره در اوایل صفویه به همراه سایر طوایف ترک افشار، در ابیورد زندگی می‌کردند. در دوره حکومت شاه عباس اول، خانلرها، بیگلرها و آق‌الرها (۳۱) چوله‌ای تبار از خراسان به سمیرم کوچ داده شدند (نوری، ۱۳۸۶: ۴۸۶). فهم این رویداد مهم در مورد سمیرم نیاز به فهم سیاست و راهبرد صفویان در مورد مناطق کوهستانی زاگرس و اقوام لر دارد. بررسی منابع این عصر نشان می‌دهد اقوام لر این مناطق از ابتدای تاسیس صفویان به مثابه یک نیروی گریز از مرکز عمل کرده

و بارها میان آنها و صفویان تقابل روی داده بود. اولین تقابل آنها با صفویان در زمانه شاه اسماعیل اول ثبت شده است. این تقابل قدرت‌های محلی مناطق مذکور در دوره شاه تهماسب اول و دو جانشینش نیز تکرار شد. حکومت صفوی تا زمان شاه عباس اول با موارد متعدد نافرمانی قدرت‌های محلی این مناطق سیاست مماشات را به روش‌های مختلف در پیش گرفته بود. آخرین مورد از این دست شورش‌ها مربوط به شاهرودی‌خان لر در اوایل عصر شاه عباس بود که برخلاف موارد پیشین، سرنوشت او حذف فیزیکی توسط حکومت صفوی بود (۳۲). آن چه که به پیچیدگی این مساله می‌افزود هم‌جواری آنها با عثمانی و تلاش آن حکومت برای جلب قدرت‌های محلی این مناطق به سمت خود بود. این ارتباط و حمایت تا دفع غائله شاهرودی خان ادامه یافت (فریدون‌بیک، ۱۲۷۴، ج ۱: ۳۹۲. نوایی، ۱۳۸۳: ۱۷۷. وحید قزوینی، ۱۳۸۲: ۱۴۰). با این مقدمات، شاه عباس پس از رفع غائله شاهرودی خان دو اقدام را در باب این مناطق عملیاتی نمود. نخست بخشی از ایلات لر را از آنجا کوچ داد (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۷۲). سپس تلاش کرد تا با کوچ برخی ایلات ناهمخوان به این مناطق و مناطق هم‌جوار، آن‌ها را کنترل نماید. لذا بخشی از علل کوچ خاندان چوله‌ای تبار به سمیرم را می‌بایست در راستای همین راهبرد کلان صفویان برای حل یک مساله دیرینه قلمداد کرد؛ زیرا سمیرم علاوه بر موقعیت کوهستانی، هم‌جوار و مشرف بر نواحی لرنشین نیز بود؛ بنابراین واجد ارزش فراوان نظامی برای صفویان بود. این رویداد به سهم خود در کنار دیگر پیامدها که در مطالب پیش رو خواهد آمد نقش مؤثری در تغییر ترکیب انسانی سمیرم از آن زمان تاکنون داشته است. همان‌طور که در مطالب قبل هم اشاره شد این گروه چوله‌ای تبار در دربار صفوی متصدی مقامات مهمی بودند، از جمله آن‌ها کسانی چون قلندرسلطان توکلی جغتای و میرزا علی سلطان چوله که در دربار شاه صفوی از نفوذ بالایی برخوردار بودند؛ همین‌طور علی‌قباد بیک، پسر میرزاعلی در سال ۱۰۵۳ هـ به سمت ایشیک‌آقاسی‌باشی حرم شاه عباس دوم منصوب شد.

ب) توسعه و تحول جایگاه سمیرم بر محور خاندان حکومت‌گر چوله

عملاً چوله‌ها حکومت سمیرم را در عصر صفوی بر عهده داشتند. قلندر سلطان چوله جغتای در دوره سلطنت شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم حکومت سمیرم را بر عهده داشت (واله قزوینی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۴۰۴-۴۰۵). در همان سال‌های اوایل حکومت شاه‌عباس دوم قلندر سلطان چوله، حاکم سمیرم، به منصب ارجمند تفنگچی‌آقاسی‌گری رسید (حسینی منشی، ۱۳۸۵: ۴۳۲. فلور، ۱۳۸۷: ۲۴۳. مهمان‌نواز، ۱۳۹۹: ۱۳). در این زمان منصب مین‌باشی نیز به امام وردی بیگ‌چوله اعطا شد (واله قزوینی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۴۰۵). منصب تفنگچی‌آقاسی در واقع سردسته‌ی مین‌باشی، یوزباشی، آن‌باشی (۳۳)، جارچیان و ریکایان (۳۴) بود که یک وزیر به همراه یک مستوفی در امور اداری با وی همکاری می‌کردند (میرزا علی‌نقی نصیری، ۱۳۷۱: ۱۹-۲۰. میرزا سمیعا، ۱۳۶۸: ۹. کارری، ۱۳۴۸: ۱۶۷).

در راستای مطالب پیشین، یکی از اتفاقات مهمی که در دوره حکومت قلندرسلطان چوله رخ داد، لشکرکشی وی به سوی بختیاری‌ها در سال ۱۰۵۴ هـ بود. در آن بین قلندرسلطان به تفنگچی‌آقاسی‌گری انتخاب شد که در پی آن با دوازده هزار غلام و قورچی روانه بختیاری گردید و متمردان این نواحی را سرکوب کرد و به آن مناطق انتظام بخشید (کارری، ۱۳۴۸: ۴۳۲). در این لشکرکشی بیگلربیگیان کهگیلویه و لرستان و حکام شوشتر و دزفول به همراه دیگر حاکمان ایالت فارس با قلندرسلطان چوله، حاکم سمیرم همکاری کردند و کوهی که بختیاری‌های شورشی به رهبری خلیل‌خان در آن سنگر گرفته بودند، توسط قلندر سلطان محاصره شد و سرانجام این گروه شورشی توسط متحدین شکست خوردند (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۳۹۸-۴۰۰).

از دیگر گزارش‌هایی که در دوره‌ی شاه‌عباس دوم درمورد سمیرم آمده است، گزارشی مربوط به انتخاب بوداق سلطان چوله، حاکم سمیرم، به عنوان فرستاده حکومت صفوی به هندوستان می‌باشد. در سال ۱۰۷۰ هـ شاه صفوی وی را به عنوان ایلچی برای گفتن تهنیت جلوس به نزد اورنگ زیب فرستاد (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۷۳). وی در جریان سفارت هند در جهت موَدت و دوستی بین ایران و هند تلاش نمود و تا حدودی در این امر موفق بود (واله قزوینی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۶۴۵-۶۴۶. شاردن، ۱۳۷۲، ج ۵: ۱۸۶۹. نوایی، ۱۳۸۳: ۹۸). شاردن در سفرنامه خود به جایگاه

بوداق سلطان در نزد شاه‌عباس دوم این‌گونه اشاره می‌کند؛ «قوی‌ترین و موفق‌ترین این افراد صاحب نفوذ بوداق سلطان تفنگدارباشی بود که چنان در فکر و روح پادشاه تسلط یافته بود که وی بی‌رضا و تصویب بوداق سلطان به هیچ کار مبادرت نمی‌ورزید» (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۵: ۱۶۶۸) (۳۵)؛ بنابراین با توجه به پست و مقام حاکمان سمیرم، می‌توان گفت این منطقه اهمیت زیادی از نظر اقتصادی و سیاسی و نظامی داشته است. سمیرم پس از کسب موقعیت جدید در کانون توجه شاهان صفوی قرار گرفته بود. لذا بخاطر شرایط آب‌وهوایی متفاوت با پایتخت صفویان (اصفهان)، همواره در فصول گرم سال از سوی شاهان و شاهزادگان مورد توجه قرار می‌گرفت. هوای اصفهان در این فصول گرم و طاقت فرسا می‌شد. از این رو شاه‌عباس دوم در زمان حکومت خود برای مدتی به سمیرم سفر کرد (۱۰۶۰ هـ). وی در فصل بهار برای تفریح و شکار به این شهر وارد شد. شاه‌عباس به همراه ندیمان خود چند روزی در آبشار سمیرم به عیش‌ونوش پرداخت و در همان دشت به شکار مشغول شد. در این دوره، قلندر سلطان چوله حاکم سمیرم بود که شهر را برای ورود شاه صفوی آماده نمود. در این زمان مورخان در آثار خود توصیفات زیبایی از طبیعت سمیرم ارائه داده‌اند (واله قزوینی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۴۹۴-۴۹۵ و ۶۹۲-۶۹۷، وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۵۹۷-۵۹۹).

بعد از شاه‌عباس دوم منابع در مورد سمیرم اشارات محدودی دارند. حاکمان چوله‌ای تبار سمیرم هم‌چنان حکومت خود را بر سمیرم حفظ کردند و از طرف دیگر از سوی شاهان صفوی مناصب ایشیک‌آقاسی باشی حرم و تفنگچی‌آقاسی باشی را در دربار دریافت نمودند (آصف، ۱۳۸۲: ۲۷۲). مرعشی اشاره می‌کند زمانی که شاه‌سلیمان ثانی در سال ۱۱۶۳ هـ به قدرت می‌رسد، مهدی‌خان چوله را به عنوان تفنگچی‌آقاسی باشی دربار انتخاب می‌کند (مرعشی، ۱۳۷۹: ۱۱۵). نصیری نیز در دوره شاه سلطان حسین، اشاره می‌کند که خاندان حاکمه‌ی سمیرم یعنی چوله‌ای‌ها در دربار سلطان حسین صاحب منصب ایشیک‌آقاسی باشی حرم بودند. وی اشاره می‌کند که در سلطنت شاه سلطان حسین، علی‌قلی بیگ و حاجی محمدقلی بیگ چوله سمت ایشیک‌آقاسی باشی حرم را برعهده داشتند و همین‌طور نامدار سلطان چوله در این دوره حاکم سمیرم بوده است (محمد ابراهیم بن زین العابدین نصیری، ۱۳۷۳: ۲۰۴). بعد از حمله افغانه به پایتخت صفوی، قلعه سمیرم و برخی قرای آن، از

تابعیت ایشان سرباز زدند و آن‌ها سرانجام در دوره بعدی توسط آزادخان افغان مورد حمله نیروهای افغان قرار گرفتند که در این جریان بسیاری از مردان و زنان این شهر به قتل رسیدند و اموالشان به غارت برده شد (أصف، ۱۳۸۲: ۲۷۲-۲۷۳. عکاشه، ۱۳۶۱: ۸۵). با توجه به اشارات منابع در مورد سمیرم و حاکمان این شهر، می‌توان به ارتقای جایگاه سمیرم در دوره صفوی، (خصوصاً بعد از انتقال خاندان چوله از خراسان به سمیرم در دوره شاه‌عباس) پی‌برد. همان‌گونه که در ابتدای مقاله اشاره شد، در این دوران هیئت حاکمه سمیرم به مناصب مهم درباری دست می‌یابند و از این رو در امور داخلی کشور نقش مهمتری پیدا می‌کنند. ارتقای جایگاه سیاسی حاکمان چوله‌ای تبار سمیرم در بُعد سیاست داخلی، موجب رشد تولیدات اقتصادی این شهر می‌شود. در واقع هر کدام از صاحب منصبان چوله‌ای ساکن در سمیرم که به مقام و منصبی در امور سیاسی دست می‌یافتند تلاش می‌نمودند تا از ظرفیت‌های اقتصادی این شهر بیش از پیش استفاده کنند تا از این طریق بر میزان درآمد آنان افزوده شود. از آنجایی که سمیرم منطقه‌ای پر آب و حاصلخیز به حساب می‌آمد، هم‌اکنون در این دوره ظرفیت‌های موجود در مناطق اطراف آن در بُعد کشاورزی و دامپروری بیش از پیش مورد استفاد قرار می‌گرفت. این امر به نوبه خود علاوه‌بر اینکه برای صاحب منصبان مزبور درآمدی هنگفت محسوب می‌شد، در رونق اقتصادی سمیرم نیز مؤثر بود.

نتیجه

سمیرم علیا همواره در طول تاریخ به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی از ظرفیت‌های مهمی برخوردار بوده است. شرایط کوهستانی گرچه مانع از توسعه شهر می‌گردید، علاوه بر صعب‌العبور نمودن تردد‌های تهاجمی موجب پر آبی این منطقه نیز شده بود. نتایج این پژوهش در مورد عوامل مؤثر در رشد و توسعه این شهر در نیمه دوم عصر صفوی نشان می‌دهند؛ گرچه جغرافیای طبیعی سمیرم علیا شرایط نسبتاً مناسبی را از قبل برآمدن شاه عباس اول صفوی برای رشد اقتصادی حول محور کشاورزی و دامداری فراهم کرده بود، تقویت این ظرفیت به انتقال پایتخت صفویان از قزوین به اصفهان موقوف شد. این رویداد سیاسی-اداری نیاز جمعیت رو به تزاید اصفهان به مواد غذایی را دوچندان می‌کرد. لذا با توجه به شرایط طبیعی سمیرم علیا و نزدیکی آن به پایتخت نقش مهمی را در جریان فراهم کردن محصولات دامی و کشاورزی ایفا می‌نمود؛ از این رو شهر مذکور در نیمه دوم عصر صفوی واجد پیشرفت و توسعه شد. شاهد محکم این مدعا اشارات متون اداری عصر صفوی است که ضمن گزارش وظایف مناصب اداری این عصر، به شکلی غیر مستقیم ردی از توان اقتصادی این منطقه نیز عرضه کرده‌اند. اگر انتقال پایتخت صفویان به اصفهان بخشی از طرح کلی سیاسی-امنیتی آنها در کنترل بهتر قلمرو خویش قلمداد شود، آنگاه رشد و توسعه جایگاه سمیرم به شکل مضاعفی تبیین خواهد شد. این مهم همانا کنترل شورش‌های درازدامن مناطق لرستان و کهگیلویه بود که از ابتدای تاسیس صفویان تا نیمه دوم عصر صفوی تداوم یافت. آنچه این مسأله را واجد اهمیتی دوچندان می‌ساخت احتمال ارتباط پنهان حکام این نواحی با همسایه غربی خویش یعنی عثمانی بود. بر این مبنا شاه عباس صفوی سعی کرد با کوچ طایفه ناهمخوان چوله به سمیرم، بر این مشکل فائق آید. نتایج بررسی منابع این دوره نشان می‌دهد این راهبرد ضمن تغییر در ترکیب جغرافیای انسانی سمیرم علیا نتایج موفقیت‌آمیزی برای صفویان به دنبال داشت و اهمیت نظامی سمیرم از همین زمان دوچندان گشت. در همین راستا، این منطقه در نیمه دوم عصر صفوی نقش مهمی در کنترل نواحی غربی

زاگرس و طغیان اقوام در کهگیلویه و لرستان برای حکومت صفوی داشته است. از همین رو است که در حادثه سقوط اصفهان توسط افغانه، سمیرم یکی از شهرهای چالش برانگیز و حساس برای مهاجمان بوده است. نقش انتظام بخشی در محدوده مرکزی زاگرس توسط خاندان چوله مقیم سمیرم، مقدمه افزایش میزان بهره‌وری اقتصادی از منابع سرزمینی شهر مزبور بود؛ زیرا که برقراری امنیت لازمه هرگونه فعالیت تولیدی بوده است. خاندان چوله به عنوان حکام سمیرم در نیمه دوم عصر صفوی، پس از آن که شایستگی‌های خود را برای رفع دغدغه‌های حکومت صفوی نشان دادند، به سرعت صاحب مناصب مهمی در دربار صفویان شدند. به گواه منابع این عصر، دوگانه حضور افرادی از این خاندان در دربار و سمیرم، نقش موثری در ارتقا موقعیت شهر مزبور در همین دوران داشت. بنابراین می‌توان گفت، سمیرم علیا با توجه به موقعیت سرزمینی خود، ترکیبی از شرایط طبیعی موجود و شرایط سیاسی عارض شده بر آن، توانست به موقعیتی مهم در نیمه دوم عصر صفوی دست یابد. شاهد مهم این مدعا آن است که این شهر علاوه بر کارکردهای پیش گفته، به مقصد تفرجگاهی شاهان صفوی در همین عصر بدل شده بود.

پی‌نوشت

۱. Semirom

۲. منظور از موقعیت سرزمینی در این مقاله جمع موقعیت مطلق و نسبی یک نقطه است. موقعیت مطلق یک منطقه به معنای طول و عرض جغرافیایی آن است که تغییرناپذیر است و پیامدهای اقلیمی و طبیعی دیرپا و تغییرناپذیری برای آن نقطه به دنبال دارد. موقعیت نسبی یک منطقه تغییرپذیر و متکی بر تحولات آن در ادوار مختلف تاریخ است. برای فهم بهتر مطلب ر.ک: (منصور بدری‌فر، ۱۳۸۷: ۳۰-۲۹).

۳. Den García de Silva Figueroa

۴. Jean Chardin

۵. Giovanni Francesco Gemelli Careri

۶. Anthony Shirley

۷. Pietro Della Valle

۸. Sanson

۹. Tavernieh

۱۰. Mahyar

۱۱. Qomshe

Izad Khast ۱۲

۱۳. Aspas روستایی از توابع شهر اقلید که در فاصله ۱۵۰ کیلومتری شمال شرق شیراز قرار دارد.

south Qomshe ۱۴

۱۵. از توابع فارس.

۱۶. از توابع قمشه.

Lenjan ۱۷

shahreza ۱۸

۱۹. دانگ در فارسنامه ناصری یعنی ناحیه؛ منظور وی از بلوک سرحد شش دانگ همان بلوک سرحدی است که از شش ناحیه پادنا، حنا، سمیرم، فلارد، وردشت و ونک تشکیل می‌شده است.

Kifteh ۲۰

Gandoman ۲۱

۲۲. این رشته کوه از سلسله کوه‌های مرتفع زاگرس است که در قسمت شمالی سمیرم قرار دارد و حدوداً در فاصله ۱۶ کیلومتری از آن واقع شده است. نام این کوه نیز برگرفته از زبان ترکی مردم قشقایی است که در فصول گرم سال از دامنه آن به عنوان بیلاق نشین استفاده می‌کنند. علی در زبان مزبور به معنای عدد پنجاه است و جوغ یا جوق درواقع شکل محاوره‌ای واژه جوب است که توسط مردم این ناحیه به این شکل تکلم می‌شود. درواقع کوه علی جوق به معنای کوه پنجاه جوب می‌باشد که نشان دهنده فراوانی آب در این کوه است.

۲۳. این رشته کوه در قسمت جنوبی سمیرم قرار دارد.

۲۴. چوله‌ای‌ها تیره‌ای از طایفه تکه‌لو بودند که آن نیز به نوبه‌ی خود یکی از طوایف ایل افشار محسوب می‌شد. این تیره در دوره‌ی حکومت شاه عباس اول از خراسان به سمیرم کوچ داده شدند. (نوری، ۴۸۶).

جوز یا گردو ۲۵

۲۶. مزرعه آخورم مزرعه‌ای است واقع در شرق سمیرم علیا که در حال حاضر فاصله آن از شهر مزبور حدوداً یک کیلومتر می‌باشد.

۲۷. مزرعه رزجان یا رزگان مزرعه‌ای است واقع در جنوب غربی شهر کنونی سمیرم که در مسیر سمیرم به یاسوج قرار دارد. مزرعه نامبرده درحال حاضر در فاصله حدوداً یک کیلومتری شهر واقع است.

۲۸. ده چشمه‌علی در محدوده جنوب شرقی گندمان واقع بوده است.

۲۹. در ادامه مقاله به آن اشاره خواهد شد.

۳۰. البته به این نکته نیز باید اشاره کرد که در همه‌ی این سال‌ها الزاماً حاکمان سمیرم صاحب این مناصب نبودند و همین‌طور در برخی موارد این مناصب به اعضای دیگر همین خاندان اعطا می‌شد که در این شهر حضور داشتند. در مبحث "سمیرم در سپهر سیاسی عصر صفوی به صاحب منصبان این مناصب پرداخته می‌شود.

۳۱. امروزه نیز در شهرستان سمیرم گروهی با فامیل آقار حضور دارند.

۳۲. برای درک بهتر بخشی از این بحران دراز دامن در نیمه نخست عصر صفوی ر. ک: (عالم‌آرای صفوی، مولف مجهول، ۱۳۵۰: ۱۳۰؛ حسینی قمی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۹۴؛ چنابدی، ۱۳۷۸: ۲۱۶؛ ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۷۰-۴۶۹؛ بدلیسی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۷-۴۶؛ افوشته‌ای‌نطنزی، ۱۳۷۳: ۴۸۷؛ منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۱۲۱).

۳۳. مین، یوز و آن اعداد ترکی هستند که معادل فارسی آنها به ترتیب هزار، صد و ده است. این مناصب مین باشی و یوز باشی و آن باشی در واقع سر دسته‌های نظامی بودند که هر کدام به ترتیب قشون هزارتایی، صدتایی و ده تایی را فرماندهی می‌کردند.

۳۴. ریکایان نوعی گارد مسلح بودند (فلور، ۱۳۸۷: ۲۴۲).

۳۵. ویلم فلور نیز به منصب تفنگچی آقاسی بوداق سلطان در سال‌های ۱۰۷۱ تا ۱۰۷۹ هـ اشاره می‌کند (فلور، ۱۳۸۷: ۲۴۳).

فهرست منابع و مطالعات

ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، (۱۳۷۱) *الکامل فی التاریخ*، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، جلد بیستم، تهران: موسسه مطبوعات علمی.

ابن بلخی، (۱۳۷۴) *فارسنامه ابن بلخی*، مصحح منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس شناسی.

ابوالفداء، اسماعیل بن علی، (۲۰۰۷) *تقویم البلدان*، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.

اعتماد السلطنه، *مرآة البلدان*، (۱۳۶۷) مصحح عبدالحسین نوایی و هاشم محدث، جلد چهارم، تهران: دانشگاه تهران.

افوشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت‌الله، (۱۳۷۳) *نقاوه الآثار فی ذکر الاخیار فی تاریخ الصفویه*، مصحح احسان اشراقی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

آصف، محمد هاشم رستم الحکما، (۱۳۸۲) *رستم‌التواریخ*، مصحح میترا مهرآبادی، تهران: دنیای کتاب.

آل داوود، سید علی، (۱۳۷۸) *دو سفر نامه از جنوب ایران*، چاپ دوم، تهران: امیر کبیر.

بدری فر، منصور، (۱۳۸۷) *جغرافیای انسانی ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

بدلیسی، شرف‌خان، (۱۳۷۷) *شرفنامه*. ج ۱. به تصحیح ولادیمیر ولیامینوف. تهران: نشر اساطیر.

بروسوی، محمدعلی، (۱۴۲۷) *أوضح المسالك إلى معرفة البلدان والممالك*، مصحح مهدی عبدالرواضیه، بیروت: دارالغرب اسلامی.

بنداری اصفهانی، فتح بن علی، (۱۳۵۶) *تاریخ سلسله سلجوقی*، ترجمه محمد حسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

پور محمدی املشی، نصرالله و زیلاب پور، بابک، (۱۳۹۵): «دریچه‌ای به تاریخ اجتماعی طایفه‌ی دره شوری قشقای در دوره‌ی صفویه بر مبنای اسناد»، *گنجینه‌ی اسناد*، شماره ۹۵/ سال بیستم، ۲۷-۶.

ترکمان، اسکندر بیگ، (۱۳۸۲) *تاریخ عالم آرای عباسی*، مصحح ایرج افشار، چاپ سوم، تهران: امیر کبیر.

جنابیدی، میرزابیگ، (۱۳۷۸) *روضه/الصفویه*، مصحح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله، (۱۳۷۵) *جغرافیای حافظ ابرو*، مصحح صادق سجادی، تهران: میراث مکتوب. حسینی فسایی، میرزا حسن، (۱۳۸۲) *فارسنامه ناصری*، مصحح منصور رستگار فسایی، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: امیر کبیر.

حسینی قمی، قاضی احمد بن شرف الدین، (۱۳۸۳) *خلاصه التواریخ*، محقق و مصحح احسان اشراقی، جلد اول، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

حسینی منشی، محمد میرک بن مسعود، (۱۳۸۵) *ریاض الفردوس خانی*، مصحح ایرج افشار و فرشته صرافان، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

حموی، یاقوت بن عبدالله، (۱۹۹۵) *معجم البلدان*، جلد پنجم، بیروت: دارصادر. رهبربن، کلاوس میشل (۱۳۵۷) *نظام ایالات در دوره صفویه*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ژ، دومورینی، (۱۳۷۵) *عشایر فارس*، ترجمه جلال الدین رفیع فر، تهران: دانشگاه تهران.

شاردن، ژان، (۱۳۷۲) *سفرنامه شاردن*، جلد پنجم، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.

شقایق، حسین قلی خان، (۱۳۵۳) *خاطرات ممتحن الدوله*، تهران: امیر کبیر.

شیروانی، زین العابدین بن اسکندر، (بی تا) *بستان السیاحه*، تهران: سنایی.

ظفریان، داراب، جدیدی، ناصر، ترابی فارسانی، سهیلا، (۱۳۹۹) «عوامل مؤثر بر توسعه اقتصاد شهری اصفهان در دوره صفویه»، *مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، شماره ۲۶، ۱۸۴-۱۶۴.

عکاشه، اسکندر خان، (۱۳۶۱) *تاریخ ایل بختیاری*، تهران: فرهنگسرا.

فریدون بیگ، (۱۲۶۵-۱۲۷۴ هـ) *مجموعه منشآت فریدون بیگ*، جلد اول، استانبول: دارالطباعة العامره.

فلور، ویلم، (۱۳۸۷) *دیوان و قشون در عصر صفوی*، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: آگاه.

قاسمی، امرالله، (۱۳۸۹) *سیمای سمیرم در ادوار تاریخ*، قم: بقیه عتره.

قزوینی، زکریا بن محمد، (۱۳۷۳) *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه میرزا جهانگیر قاجار، تهران: امیر کبیر.

قشقایی، ملک منصور خان، (۱۳۹۱) *خاطرات ملک منصور خان قشقایی*، تهران: نامک.

کارری، جملی، (۱۳۴۸) *سفرنامه کارری*، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.

کرزن، جورج ناتانیل، (۱۳۶۲) *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحیدمازندرانی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علی و فرهنگی.

- کیانی، منوچهر، (۱۳۸۵) تاریخ مبارزات مردم ایل قشقایی از صفویه تا پهلوی، چاپ دوم، شیراز: کیان نشر.
- مرعشی، سلطان هاشم میرزا، (۱۳۷۹) زبور آل دود، مصحح عبدالحسین نوایی، تهران: میراث مکتوب.
- مسکویه، احمد بن علی، (۱۳۷۶) تجارب الامم، ترجمه ابوالقاسم امامی و علی نقی منزوی، تهران: توس.
- مقدسی، محمد بن احمد، (۱۳۶۱) احسن التقاسیم، ترجمه علی نقی منزوی، جلد دوم، تهران: شرکت مولفان و مترجمان.
- منجم‌یزدی، ملاجلال‌الدین، (۱۳۶۶) تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، بی‌جا: انتشارات وحیدنیا.
- مهمان‌نواز، محمود، (۱۳۹۹) «تحلیلی بر نقش و جایگاه ساروتقی در رقابت‌های دربار عصر شاه عباس دوم»، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۲۷، ۲۷۰-۲۴۸.
- مؤلف مجهول، (۱۳۵۰) عالم‌آرای صفوی، به کوشش یدالله شکری، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- میرزا سمیعا، (۱۳۶۸) تذکره الملوک، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: امیرکبیر.
- نصیری، محمد ابراهیم بن زین العابدین، (۱۳۷۳) دستور شهریاران، تصحیح محمد نادر نصیری مقدم، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- نصیری، میرزا علی نقی، (۱۳۷۱) القاب و مواجب دوره‌ی سلاطین صفویه، تصحیح یوسف رحیم لو، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- نوایی، عبدالحسین، (۱۳۸۳) اسناد و مکاتبات سیاسی ایران، از سال ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵ هـ همراه با یادداشتهای تفصیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- نوری، محمدتقی، (۱۳۸۶) اشرف التواریخ، مصحح سوسن اصیلی، تهران: میراث مکتوب.
- واله قزوینی اصفهانی، محمد یوسف، (۱۳۸۲) ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم، تصحیح محمدرضا نصیری، چاپ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر ملی.
- وحید قزوینی، میرزا محمدطاهر، (۱۳۸۳) تاریخ جهان آرای عباسی، مصحح سید سعید میر محمدصادق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.